

پنج ویژگی پیروزی آفرین



نویسنده: داریوش دهقان

منتشر شده در:

مجله رشد معلم شماره ۹

تابستان ۲۰۰۵

برای مریبان موفق آنقدر صفات متعدد ذکر کرده اند که گاهی به نظر می رسد از آنها انتظارست که در دانایی به افلاطون زمان، در زهد به مقدسان و در صیوری به سنگ صبور شبیه باشند. اما در سطحی عملی تر یکی از صفات عمده ای که داشتن آن برای مریبان هر جامعه ای لازمست آگاهی داشتن آنها از هدف نهایی تربیت است. به عبارت دیگر انتظار می رود که هر مریبی هوشمندی پیوسته پرسش هایی چون پرسش های زیر را از خودش بپرسد:

- چرا به شاگردان یاد می دهم؟
- کدام مهارت مقدم است؟
- کوشش های من باید به کجا بیانجامد؟
- تلاشهای آموزشی چه وقت موفق شناخته می شوند؟
- آیا هر دانش آموزی که درس مرا خوب نخواند شکست می خورد؟
- هدف ازانتقال تخصص هایی که به یادگیرندگان منتقل می کنم چیست؟
- کار گروهی من و دیگر مریبان چگونه باید باشد تا دانش آموزان پیروزی را ببرود؟
- چه نشانه هایی باید در نوجوانان و جوانانمان ببینم تا بدانم در مسیر پیروزی گام بر می دارند؟

آگاهی از پاسخ این گونه پرسش ها قسمت اعظمی از دانش اساسی و عمومی هر مریبی موفق را تشکیل می دهد. پاسخ به این پرسش ها تصویری روشن از يك انسان پیروز بدست مریبی می دهد و او را متوجه می سازد که سهم و نقش موضوعی که تدریس می کند، صرفنظر از اینکه موضوع چه باشد، در ایجاد این تصویر کلی چیست. در می یابد که سعی او چه خط و فرمی در این تصویر به وجود می آورد و تاکیدهها و ارزشیابی هایش باید برچه اساسی بوده و چگونه باشد.

اهمیت داشتن این تصویر را می توان در فقدان جستجو کرد. فقدان چنین تصویری می تواند مریبی را تبدیل به کارگری کند که در خط طولانی تولید کاری انجام می دهد ولی از حاصل کلی عمل خویش بی خبر می ماند، و البته این بی خبری را هیچ مریبی متفکری نمی پذیرد. بنا براین مسئولان آموزش نیروی انسانی، کارآمدتر خواهند بود اگر در هر آموزش مقدماتی و ضمن خدمتی، با به کارگیری روش های مختلف و استفاده از تجربه و بینش مریبان، به پرسش هایی چون پرسش های ذکر شده جواب دهند و چنان بروشنی در رسم این تصویر بکوشند و برآن تاکید کنند که مریبان لحظه ای آنرا از یاد نبرند و طبق آن به تلاش های آموزشی خود بپردازند. تصویر انسان پیروزتر را باید بر اساس مطالعات و تجربیات عملی و بررسی زندگی انسانهای موفق رسم کرد. می بایست برای لحظه ای آداب و رسومات قومی، سیاستهای دولتی، و تعلقات مذهبی کنار گذارده شوند، تا تصویری ساده از انسان جهانی بدست می آید. انسانی ساده و دست یافتنی، نه موجودی خیالی و دور از دسترس. با در نظر داشتن این موضوع میتوان در يك جمله گفت که **انسان پیروزانسانی است که برای خود و دیگران مفید بوده و پشرفت گرا باشد.** اگر این جمله ساده را بپذیرید خواهید پرسید ویژگی های این انسان پیروز جهانی چیست.

اکنون سعی کنید ویژگی هایی برای او ترسیم نمایید. برای یافتن ویژگی ها می توانید به زندگی عملی و واقعی خودتان بنگرید و معدودی از عمده ترین کسان یا چیزهایی را که در طول زندگیتان مهم ترین نقش ها را داشته و دارند بیاد آورید. شاید نیاز به جستجوی زیادی نباشد که دریابید انسان مهم ترین نقش ها را در زندگی شما دارد. چرا که به وسیله دو انسان پا به عرصه وجود گذاشته اید، با

مهر و توجه آنها و دکترها و پرستارها زنده مانده آید، به کمک ایشان و معلمان و دبیران و استادان آموخته و فرهیخته شده آید، از کارگران و مهندسان ساختمانی و شهرداری برای داشتن سر پناه و بهداشت سود برده آید. هنگام استفاده کردن از هواپیما، کشتی، اتوبوس و تاکسی، تلفن، کامپیوتر از کار و کوشش و ابداعات هزاران انسانی بهره می برید که از قرن ها پیش می زیسته اند و مقدمات وسایل آسایش بخش امروزیان را فراهم نموده اند. تازه وقتی هم که بزرگ و قهرمان و یا هنرمند بسیار مشهوری می شوید و نظیرتان کم پیدا می شود، نیازمند آن هستید که انسانها شما را تشویق کرده و شکوهتان را تایید کنند. با این مقدمه و کمی تجسم می پذیرید که ویژگی اول انسان **پیروزآگاهی داشتن از عظمت و اهمیت انسان ها و پذیرفتن وابستگی شدید و اجتناب ناپذیر آنها به یکدیگر می باشد.**

به مجرد قبول ویژگی اول ویژگی دوم ظهور می کند. زیرا به خود می گوید اگر انسان (پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزند، سارا، دارا) از اول تا پایان حیات در زندگی نقشی سازنده، پایان نیافتنی و انکار ناپذیر دارد و می بینم که همه اسباب راحتی و آسایشم بوسیله او بوجود آمده، چه کار کنم تا بتوانم در گروه او پذیرفته شوم و با او مسالمت آمیزانه و همکاریانه زیست کنم؟ بنابراین **دارا بودن مهارتهای زیستن با انسان ها** را ویژگی دوم انسان پیروز می دانید. سالم نگهداشتن جسم و روان، قدردانی و سپاسگزاری، نگهداری پیمان، و آنچه آداب معاشرت خوانده می شود جزء این ویژگی می شود و به حق مهارتهای زیستن با انسان، از مهارتهای تخصصی برتری می یابد.

به رویدادهای غم انگیز زندگی روزانه خود و اطرافیان می نگرید و فقدان جمعی از آنها را که سخت گرامی می داشته آید مثل مادربزرگ ها و پدربزرگ ها، احتمالاً پدرها و مادرها، معلمان و راهنمایان، پهلوانان و قهرمانان و الگوهای دوران کودکی که اکنون در گذشته اند، رنج و درستان می دهد. مرگ آنها، حقیقت محدود بودن و کوتاهی عمر را بر شما آشکارتر می کند. درمی یابید که حتی اگر دعای مادر بزرگتان هم مستجاب شود و صدو بیست ساله بشوید باز هم وقتتان در دنیا کم است و عمرتان در برابر گذشت زمان و تاریخ چون جرقه ای بیش نیست. بنابراین **دانستن ارزش وقت و استفاده شایسته از آن برای رشد خویش، خدمت به مردم، و رضایت درونی** را ویژگی سوم انسان پیروز به شمار می آورید.

در جریان زندگی روزانه و مقایسه انسان ها، متوجه می شوید گروهی از آنها بسیار خوشرو و شاد عمل می کنند، کارشان را دوست دارند و هر روز بر میزان مهارت حرفه ای خویش می افزایند، نو آور و مبتکر می شوند و در طول ساعات کاری، آثار خستگی از خود نشان نمی دهند. در حالی که جمع کثیری برخلاف این گروه رفتار می کنند. کاوش بیشتر نشان می دهد که گروه اول به کار خود علاقه داشته و در آن صاحب استعداد هستند. حسن رابطه، رفتار انسانی، ثمر بخشی اجتماعی، رضایت فردی از آنها از يك طرف و خوشنودی مراجعان این گروه از طرف دیگر شما را متقاعد می کند که **شناختن و پرورش دادن استعدادها و علایق خویش برای ایجاد خوشنودی فردی و خدمت موثر به مردم** ویژگی چهارم انسان پیروز می باشد.

چون به فرداهای خود می اندیشید در می یابید که یکی از عمده ترین رقم زندگان زندگی انسان امید و آرزوی او می باشد. زیرا در همه دوران حیات با اوست، شادش می کند، به تلاشش وامی دارد، رشدش می دهد و بارورش می سازد. اما می دانید که امید و آرزو به صورت آرزو و رویایی دست

نیافتنی باقی می ماند اگر به هدف و عمل و برنامه سالانه، ماهانه، هفتگی و روزانه تبدیل نشود.
بنابراین به کارگیری روش های درست هدف سازی و دست یابی به هدف ها برای پیشبرد خود و جامعه انسانی را پنجمین ویژگی انسان پیروز قلمداد می کنید.

در نتیجه اگر نشانه هایی از این ویژگی ها را در دانش آموزانتان ببینید، آنها را پرورش می دهید، اگر نبینید ایجادشان می کنید تا دانش آموزانتان را پیروز و هدفهای آموزشیتان را برآورده سازید.